

RS

پرتو آهنین به جای گنبد آهنین؟

در میانه عملیات ویرانگر اسرائیل در نوار غزه که تا به امروز حداقل ۲۴۰۰۰ نفر را کشته است، کنگره اخیراً بسته کمک نظامی ۱۵ میلیارد دلاری آمریکا به اسرائیل را تصویب کرد. این بسته با تأمین بودجه برای تقویت توپخانه و مهمات، تقویت سامانه‌های دفاعی و کمک به غزه، شامل ۱/۲ میلیارد دلار برای سلاح لیزری علمی تخیلی «پرتو آهنین» اسرائیل می‌شود که یک سیستم لیزری هدایت‌شونده برای دفاع هوایی است. به نظر می‌رسد که سامانه پرتو آهنین پس از عملیاتی شدن، انتقالی در ظرفیت‌های دفاعی اسرائیل ایجاد کرده و به تشدید بحران جاری در غزه و تنش‌ها در خاورمیانه دامن می‌زند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که ایالات متحده علاقه‌مند به تهیه پرتو آهنین و فن آوری‌های مشابه برای اهداف خود است.

پرتو آهنین، جانشین احتمالی سیستم دفاع موشکی «گنبد آهنین» اسرائیل است که موشک‌هایی را برای رهگیری و سرنگونی تهدیدات وارده در داخل مرزهای اسرائیل شلیک می‌کند. پرتو آهنین یک سیستم لیزری هدایت‌شونده است که پرتابه‌های ورودی را با لیزر فیبر خنثی یا سرنگونی می‌کند. در حالی که اسرائیل ادعا می‌کند گنبد آهنین ۹۰ درصد از تهدیدات وارده را از بین می‌برد، اما هزینه‌های زیاد این سامانه از جمله ضعف‌های آن محسوب می‌شود. چراکه هر موشک رهگیر این سامانه حدود ۵۰ هزار دلار قیمت دارد. در مقابل، سیستم پرتو آهنین، نتایج مشابهی را بدون استفاده از موشک‌های پرهزینه ایجاد می‌کند. این سیستم تنها با استفاده از برق کار می‌کند تا پرتوهای لیزری تولید کند تا بتواند موشک‌ها، پهپادها و سایر اهداف را نابود کند. نفتالی بنت، نخست‌وزیر سابق اسرائیل در سال ۲۰۲۲ گفته بود: «پرتو آهنین، قاعده بازی را تغییر می‌دهد. زیرا ما نمی‌توانیم تنها از نظر نظامی به دشمن ضربه بزنیم، بلکه باید از نظر اقتصادی نیز دشمن را تضعیف کنیم. هزاران دلار صرف یک موشک رهگیر می‌شود اما حالا ما می‌توانیم تنها دو دلار برای تأمین هزینه برق در سرنگونی موشک هزینه کنیم.» با این حال، آب و هوای بد می‌تواند اثر بخشی این سیستم را کاهش دهد. بنابراین شاید بهتر باشد از پرتو آهنین در کنار سیستم گنبد آهنین برای دفاع هوایی استفاده شود. پرتو آهنین اسرائیل مظهر علاقه چندین دهه‌ای دولت‌ها به سامانه‌های لیزری است. این سامانه‌ها می‌توانند انرژی شیمیایی یا الکتریکی را به انرژی تشعشعی تبدیل کنند و از این انرژی می‌توان برای آسیب رساندن، تخریب یا خنثی کردن اهداف

متخاصم استفاده کرد. سلاح‌های پرتوی نظیر لیزر، امواج مایکروویو پرقدرت و سلاح‌های پرتوذرات که با سرعت‌های بالا عمل می‌کنند، به گونه‌ای ساخته می‌شوند که به‌طور محتاطانه، سریع و دقیق به اهداف ضربه بزنند. تعدادی از کشورها در حال توسعه چنین سلاح‌هایی هستند. انگلیس اخیراً اسلح لیزری DragonFire خود را آزمایش کرده است که طبق گزارش‌ها می‌تواند از فاصله یک کیلومتری یک سکه را هدف قرار دهد و سیستم لیزری Peresvet روسیه، که برای از کار انداختن یا کور کردن فضایی‌های ارتفاع بالا، مانند ماهواره‌ها و سیستم لیزری ZADIRA، که می‌تواند پهپادها را اساقط کند، طراحی شده است. این سلاح‌ها در میدان‌های نبرد اوکراین آزمایش می‌شوند. ایالات متحده نیز سالانه حدود یک میلیارد دلار برای توسعه لیزر و تسلیحات انرژی هدایت‌شونده هزینه می‌کند. دفتر قابلیت‌های سریع و فناوری‌های حیاتی ارتش ایالات متحده بر برنامه اولیه لیزر با انرژی بالا با قابلیت حفاظت از آتش غیرمستقیم نظارت می‌کند و با شرکت لاکهید مارتن در اکتبر ۲۰۲۳ قرارداد برای این پروژه امضا کرده است. از لیزر برای مقابله یا خنثی کردن موشک‌ها و سایر پرتابه‌ها استفاده می‌شود. در نهایت، این سلاح‌ها یک راه‌حل ارزان و دقیق برای نظامیانی است که به دنبال مقابله با هواپیماهای بدون سرنشین و سایر تهدیدات هوایی هستند. پرتو آهنین که طبق گزارش‌ها، استقرار آن توسط سازنده سیستم‌های دفاعی پیشرفته افاتل تسریع شده است، خطرات بیشتری را در زمینه تخریب مداوم نوار غزه توسط اسرائیل به همراه دارد. اگر چه پرتو آهنین برای اهداف دفاعی ایجاد شده است، اما اسرائیل می‌تواند به‌طور قابل توجهی لیزرهای خود را به عنوان اهداف تهاجمی تغییر دهد. در واقع، اسرائیل قبلاً از سیستم‌های تسلیحاتی بحث‌برانگیز و آزمایشی دیگر در غزه استفاده کرده است. از جمله سیستم‌های جدید GOSPEL و Lavender مجهز به هوش مصنوعی برای هدف‌گیری نظامی در غزه استفاده شده است. برخی رسانه‌ها نوشته‌اند که کمک‌های اسرائیل تنها برای کمک به یک کشور متحد آمریکا نیست، بلکه برای گسترش و افزایش ظرفیت‌های نظامی ایالات متحده نیز به کار می‌رود.



هراس در رفح

بررسی وضعیت جنوب غزه همزمان با افزایش تهدیدهای اسرائیل



عکس: Ghada al-kurdi

▼ سفری سخت و دشوار در منطقه‌ای جنگی

خانواده حسن می‌گویند که از آغاز جنگ سفری سخت و دشوار را پشت سر گذاشته‌اند. آنها تا قبل از ۷ اکتبر در منطقه جبالییا در شمال نوار غزه زندگی می‌کردند. پدر در آشپزخانه یک رستوران در شهر غزه کار می‌کرد و مادر نیز پرستار بچه بود. آنها سعی کردند از سیاست دوری کنند و «این امکان را برای فرزندان‌شان فراهم کنند که زندگی خوبی داشته باشند.» حسن می‌گوید که دو پسر آنها به نام‌های علی و کریم، عاشق مرد عنکبوتی بودند و دخترشان، بتول، همه فکر و ذکرش سیندرلا بود. در ماه رمضان با هم به ساحل می‌رفتند، توت فرنگی می‌چیدند یا سریال‌های سوری را از تلویزیون تماشا می‌کردند. حسن می‌گوید: «ما هر آنچه را که نیاز داشتیم در اختیار داشتیم و با وجود محاصره و جنگ، خوشحال بودیم.»

علا الکرد می‌گوید، وقتی آنها صدای انفجار موشک‌های حماس را در صبح روز ۷ اکتبر شنیدند، دانستند که این جنگ قرار است بدتر از هر چیزی باشد که قبلاً تجربه کرده‌اند. آنها بلافاصله چمدان‌های خود را بستند و با اقوام خود به اردوگاه آوارگان شاطی که دورتر از مرز اسرائیل قرار دارد، نقل مکان کردند. می‌گویند آنجا اولین بمباران‌های سنگین را تجربه کردند. آنها که به دنبال سرپناه بودند، در یک مرکز بهداشتی که توسط سازمان ملل و آژانس امداد رسانی و کارایی برای آوارگان فلسطینی اداره می‌شد، ساکن شدند اما ارتش اسرائیل چند روز بعد به طبقات بالایی ساختمان این مرکز شلیک کرد. حسن می‌گوید آن روز او با یک گاری که به الاغی بسته شده بود، به بردن کشته‌ها و مجروحان کمک کرد. خانواده دوباره فرار کردند و این بار به مدرسه‌ای در شهر غزه پناه بردند. در آنجا برای اولین بار اعلامیه‌های پخش شده توسط اسرائیل را دیدند که در آنها از مردم خواسته بودند به سمت جنوب غزه بروند. بنابراین آنها یک بار دیگر تصمیم گرفتند که حرکت کنند. حسن می‌گوید که آنها توسط سربازان اسرائیلی در یک ایست بازرسی در جنوب شهر غزه بازرسی شدند. او می‌گوید: «آنها بر سر ما فریاد می‌زدند که در یک صف راه برویم و مدام به ساختمان‌های مجاور تیراندازی می‌کردند. آنها دوربین‌هایی را برای فیلمبرداری از همه چیز نصب کرده بودند.» حسن می‌گوید در حالی که در صف و در گرمای شدید انتظار می‌کشید به ناگاه از هوش رفت.

▼ از دام هواپیماهای بدون سرنشین

در هفته‌های بعد، آنها ابتدا در اردوگاه پناهندگان نصیرات در مرکز نوار غزه پناه گرفتند و سپس به خان یونس و در نهایت به رفح رفتند. حسن و همسرش می‌گویند که در رفح نیز تقریباً هر شب بمباران می‌شدند و بسیاری از ساختمان‌های مسکونی و مساجد ویران شدند. صدای پهپادهای اسرائیلی همیشه در شهر شنیده می‌شد. مادر می‌گوید فرزندان‌شان از بمباران‌های مداوم و نقل مکان‌های مکرر آسیب دیده‌اند. او می‌گوید که با شنیدن صدای انفجار وحشت می‌کنند و مرتب خودشان را خیس می‌کنند. موه‌های علی، پسر بزرگ آنها، شروع به ریزش کرده است. او دیگر ابرو ندارد و روی سرش نقاط طاس گرد قابل دیدن است. علا می‌گوید: «پزشکان می‌گویند که این یک بیماری خودایمنی است که در اثر استرس ایجاد می‌شود.» خودش پنج‌ماهه باردار است و بعد از سه بار سقط جنین که قبلاً داشته، می‌ترسد این بار هم فرزندش را از دست بدهد. علاوه بر این، نگرانی دائمی او این است که برای یکی از بستگانش اتفاقی بیفتد. او می‌گوید که در ماه نوامبر، برادر حسن، همسرش و دخترشان بر اثر بمباران‌های اسرائیل در جبلیه کشته شدند. پدرش که به دیابت مبتلا بود، در ماه ژانویه درگذشت، زیرا دیگر نمی‌توانست داروهای مورد نیاز خود را تهیه کند. حسن می‌گوید: «بستگانم او را در مقابل آوار خانه‌ای که برادرم در آن کشته شده بود، دفن کردند. آنها چند هفته بعد از مرگ، فهمیدند که از دنیا رفته است چرا که شبکه تلفن در غزه کار نمی‌کرد.»

▼ هزار و ۴۰۰ تن زباله در روز

تعداد زیادی از ساختمان‌ها و بخش‌های بزرگی از زیرساخت‌های غزه مدت‌هاست که ویران شده‌اند. دیگر آب تمیز از شیرها خارج نمی‌شود و تصفیه فاضلاب نیز دیگر کار نمی‌کند. جور جیوس پتروپولوس، که مدیریت هماهنگی کمک‌های اضطراری سازمان ملل در نوار غزه را بر عهده دارد، می‌گوید، زباله‌ها نیز به‌طور فزاینده‌ای به یک مشکل بزرگ تبدیل شده‌اند. پتروپولوس که اهل یونان است، می‌گوید، اکنون که جمع‌آوری زباله به‌طور کامل متوقف شده، در رفح «۲۰ تا ۳۰ مکان» وجود دارد که زباله‌ها در آنجا ریخته می‌شود. هر روز هزار و ۴۰۰ تن اضافه می‌شود. با توجه به اینکه دما به‌زودی به بالای ۳۰ درجه سانتیگراد می‌رسد، این زباله‌ها مکانی مناسب برای حیوانات مودی، جوندگان و شیوع عوامل بیماری‌زا است.

یکی از پزشکان سازمان امداد رسانی کمیته بین‌المللی نجات که اخیراً از غزه بازگشته است، گزارش می‌دهد که تعداد زیادی از موارد ابتلا به هیپاتیت A و اسهال دیده است که بیشتر آن به دلیل عدم رعایت بهداشت است. در برخی از پناهگاه‌های اضطراری در رفح، تا ۶۰۰ نفر مجبور به استفاده از یک توالی هستند. کسانی که بیمار می‌شوند اغلب نمی‌توانند درد پیدا کنند و معدود بیمارستان‌هایی که هنوز باز هستند نیز با محدودیت‌های شدید روبه‌رو هستند. حسن می‌گوید، در عین حال، جست‌وجوی غذا

می‌گوید: «با امید سعی کنیم فعال و سرپا بمانیم و خودمان را مشغول کنیم. این مهمترین مسئله است. در غیر این صورت، دیوانه خواهیم شد.» او می‌گوید انتظار و عدم اطمینان به آینده بدترین چیز است. آنها در انتظار حمله اسرائیل هستند و این احتمال وجود دارد که دوباره مجبور شوند از این منطقه به جایی دیگر بگریزند. او می‌گوید که این بار، آنها واقعاً نمی‌دانند کجا باید بروند. این نگرانی مشترک بیش از یک میلیون نفری است که با گسترش یافتن دامنه جنگ در غزه، به رفح پناه برده‌اند.

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، می‌گوید که چهار تیپ حماس در رفح مستقر هستند و اسرائیل برای اینکه به پیروزی کامل دست یابد، باید با حمله به رفح این چهار تیپ را نابود کند. اسرائیل می‌گوید احتمالاً یحیی سنوار، فرمانده حماس، که برنامه‌ریز اصلی حمله ۷ اکتبر بود، در رفح پنهان شده باشد. باور اسرائیل این است که تقریباً ۱۰۰ گروگان باقی‌مانده که هنوز زنده هستند، ممکن است در رفح نگهداری شده باشند. با این حال، به‌رغم اینکه جزئیات بیشتری درباره حمله احتمالی اسرائیل به رفح به اطلاع عموم می‌رسد، ایالات متحده آمریکا به‌طور ویژه‌ای در تلاش است تا از تشدید بیشتر تنش جلوگیری کند. چند روز پیش، آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا، با پیشنهاد عادی‌سازی روابط تل‌آویو و ریاض، به‌جای حمله اسرائیل به رفح، وارد تل‌آویو شد. آمریکا به‌طور غیرمستقیم به اسرائیل گفته است که بین رفح و ریاض باید یکی را انتخاب کند. اگر اسرائیل از حمله به رفح خودداری کند و پیشنهاد تشکیل کشور فلسطینی را بپذیرد، عربستان سعودی آماده عادی‌سازی روابط با اسرائیل خواهد بود.

بلینکن همچنین از رهبری حماس در خواست کرد تا پیشنهادهای «بسیار سخاوتمندانه» اسرائیل برای معامله بر سر گروگان‌ها موافقت کند. این طرح شامل آزادی برخی از اسرائیلی‌های باقی‌مانده در دست حماس، یک آتش‌بس چند هفته‌ای و خروج گام به گام ارتش اسرائیل از نوار غزه است. این توافق می‌تواند آغازی برای پایان جنگ باشد؛ آن هم جنگی که تاکنون به قیمت جان بیش از ۳۴ هزار فلسطینی تمام شده است. این درگیری همچنین ایران و اسرائیل را نیز در آستانه جنگ قرار داده است و حتی ممکن است دونالد ترامپ را در نوامبر امسال به کاخ سفید بازگرداند. همه چیز بستگی به اتفاقاتی دارد که در رفح رخ خواهد داد. این شهر می‌تواند به نقطه عطفی برای پایان جنگ و یا اوج‌گیری وحشتناک این جنگ تبدیل شود. در نهایت کل جهان به این شهر چشم دوخته است. قبل از حمله ۷ اکتبر، رفح خانه حدود ۲۷۰ هزار فلسطینی فقیر بود. از آن زمان به بعد رفح و مناطق اطراف آن به یکی از بزرگترین کمپ‌های پناهندگان در جهان تبدیل شده است. بیشتر مردم اینجا در چادرها یا اتاقک‌هایی زندگی می‌کنند که خودشان مثل حسن الکرد و خانواده‌اش، توانسته‌اند برای خودشان بسازند.

امدادگران در رفح می‌گویند که وحشت

در میان مردم گسترش یافته است.

بسیاری از مردم در تلاش برای فرار به مناطق دورتر در شمال یا غرب هستند.

آنها می‌گویند که خانواده‌ها به شدت

به دنبال تهیه چادر هستند و قیمت چادر

در بازار سیاه ظاهراً به بیش از ۱۰۰۰ دلار رسیده است

اسرائیل اصرار دارد که به نبرد با حماس تا نابود کردن این گروه ادامه دهد. این درخواست اسرائیل در حالی مطرح می‌شود که تلاش‌ها برای آتش‌بس طی هفته‌های اخیر بسیار بیشتر شده است و فلسطینی‌هایی در رفح در نوار غزه پناه گرفته‌اند که امیدوارند مجبور نشوند به واسطه درگیری‌ها از این منطقه نیز فرار کنند.

حسن الکرد می‌گوید همین اواخر بود که او چند نهال در کنار اتاقکی که خانواده‌اش در آن زندگی می‌کنند کاشته است. او چند نهال زیتون کوچک که حدود یک متر ارتفاع دارند، کاشته است اما بعید است که او برای اولین برداشت میوه این درختان بتواند در رفح بماند. زیرا زمین کوچکی که خانواده حسن در آن اردو زده‌اند، در رفح، در منتهی‌الیه جنوب نوار غزه واقع شده است و اگر دولت اسرائیل تصمیم بگیرد وعده خود را عملی کند، ارتش اسرائیل به‌زودی به رفح حمله خواهد کرد. از اواخر ژانویه، حسن ۳۷ ساله و همسرش علا که ۲۹ ساله است، به همراه سه فرزند پنج تا ۹ ساله خود در یک اتاقک به مساحت تقریباً ۱۰ مترمربع در اردوگاه شاپوره رفح زندگی می‌کنند. شاپوره اردوگاه پناهنجویانی است که در طول ده‌ها سال گذشته به شکلی متراکم در رفح ساخته شده است. حسن الکرد برادر غاده الکرد، کارمند فلسطینی اشپیکل است. اشپیکل به تنهایی نمی‌تواند روایت‌های حسن را تأیید کند اما روایت او با گزارش‌های دریافت‌شده از دیگرانی که در نوار غزه هستند و همچنین گزارش‌های منتشرشده توسط رسانه‌های دیگر مطابقت دارد. الکرد با برادر و خانواده‌اش مصاحبه کرد و همچنین عکس‌ها و فیلم‌های متعددی از آن‌ها، محل زندگی آنها و همچنین اردگاه شاپوره تهیه کرده است. مرز مصر تنها یک‌ونیم کیلومتر با اتاقک خانواده‌اش فاصله دارد. اتاقک این خانواده با تخته‌های چوبی، برزنت‌های پلاستیکی و ورق‌های فلزی موج‌دار که بختی از آن از سازمان‌های امداد رسان و برخی توسط پدر خانواده خریداری شده و مابقی محصول زباله‌گردی است، فراهم شده است. کف‌پوش‌های پلاستیکی بر روی زمین قرار گرفته‌اند و تشک پتو بر روی این کف‌پوش‌ها قرار داده شده‌اند. تمام وسایل آنها اعم از مقداری لباس، دفترچه یادداشت و غذا، در چند جعبه کارتنی بسته‌بندی شده است. این زوج می‌گویند روزها هوا گرم و پر از مگس است. شب‌ها، موش‌ها به‌دنبال خوراکی به هر جا سرگرم می‌کشند و با این حال، وضع و حال آنها بسیار بهتر از دیگران است. فقط چندصد متر دورتر اردوگاهی واقع شده است که در آن بسیاری از چادرها در چند سانتی‌متری یکدیگر قرار گرفته‌اند و فاضلاب، از کانالی در وسط مسیر عبور می‌کند. علا الکرد می‌گوید بوی بدمدفع غیرقابل تحمل است. عادت کردن به این بوی واقعاً غیرممکن است. حداقل او و خانواده‌اش توانستند یک سرویس بهداشتی برای خودشان بسازند.

حسن الکرد می‌گوید که اکنون می‌خواهد سبزی هم بکارد اما آب زیادی برای آبیاری سبزی در اختیار ندارد. او